

ORIGINAL ARTICLE

The Civil Responsibility of the Lawyer Towards the Client in Iranian and French Law

Ahmad Jafari¹, Hadi Jorfi²

1. Ph.D. in Private Law, Faculty of Law and Political Science, University of Mazandaran, Mazandaran, Iran.

2. Ph.D. in Private Law, Faculty of Law, Theology and Political Science, Research Sciences Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Correspondence:

Ahmad Jafari

Email: a.jafari2000@umz.ac.ir

Received: 19/Apr/2024

Accepted: 30/Dec/2024

How to cite:

Jafari, A.; Jorfi, H. (2024). The Civil Responsibility of the Lawyer Towards the Client in Iranian and French Law, Civil Law Knowledge, 13 (2), 147-162.

(DOI: [10.30473/clk.2024.71059.3261](https://doi.org/10.30473/clk.2024.71059.3261))

ABSTRACT

In the laws of Iran and France, the lawyer's obligations towards the client are either directly derived from the attorney contract, which are known as "contractual obligations", or they are due to the requirements created for the person according to the law, which are referred to as "legal obligations". The findings of the research showed that French law shows the extent of the obligations and responsibilities of each lawyer and client in front of each other; Also, in Iranian law, as in jurisprudence, it is customary to describe some of the obligations and responsibilities arising from the lawyer's surety in case of violation and neglect in front of the client. On the other hand, explaining the duties and responsibilities of a lawyer towards the client and the civil liability resulting from the violation and non-fulfilment of obligations can be a reminder for some lawyers to know that the purpose of entering this profession is not only to earn profit, but to realize the ideal of justice and Cancellation is void. Therefore, the purpose of compiling this research is to compare the conditions of civil liability of lawyers in Iranian and French laws. The research method in this article is descriptive-analytical and the method of collecting materials is library-documentary.

KEYWORDS

Civil Responsibility, Lawyer, Client, Adherence to Expediency, Obligations.



«مقاله پژوهشی»

مسئولیت مدنی وکیل در قبال موکل در حقوق ایران و فرانسه

احمد جعفری^۱، هادی جعفری^۲

چکیده

در حقوق ایران و فرانسه تعهدات وکیل در برابر موکل یا به‌طور مستقیم ناشی از عقد وکالت است که به «تعهدات قراردادی» مرسوم هستند و یا اینکه ناشی از الزاماتی است که به‌موجب قانون برای شخص ایجاد می‌شود که از آن تحت عنوان «تعهدات قانونی» یاد می‌شود. یافته‌های حاصل از پژوهش نشان داد که حقوق فرانسه نشان از وسعت تعهدات و مسئولیت‌های هر یک از وکیل و موکل در مقابل یکدیگر دارد و همچنین در حقوق ایران مانند فقه مرسوم است که اصولاً به شرح برخی از تعهدات و مسئولیت ناشی از ید ضمانی وکیل در صورت تعدی و تفریط در مقابل موکل بسنده شود. از سوی دیگر، تبیین وظایف و تکالیف وکیل در قبال موکل و مسئولیت مدنی ناشی از نقض و عدم انجام تعهدات می‌تواند به‌عنوان یک یادآوری برای برخی وکلا باشد تا بدانند که هدف از ورود به این حرفه تنها کسب سود نیست، بلکه تحقق بخشیدن به آرمان احقاق حق و ابطال باطل می‌باشد. بنابراین، هدف از گردآوری این پژوهش بررسی تطبیقی شرایط مسئولیت مدنی وکیل در حقوق ایران و فرانسه است. روش تحقیق در این مقاله به صورت توصیفی-تحلیلی است و شیوه گردآوری مطالب به صورت کتابخانه‌ای - اسنادی است.

واژه‌های کلیدی

مسئولیت مدنی، وکیل، موکل، رعایت مصلحت، تعهدات.

۱. دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.
۲. دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

نویسنده مسئول:

احمد جعفری

رایانامه: a.jafari2000@umz.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۰

استناد به این مقاله:

جعفری، احمد؛ جعفری، هادی (۱۴۰۳). مسئولیت مدنی وکیل در قبال موکل در حقوق ایران و فرانسه، دوفصلنامه علمی دانش حقوق مدنی، ۱۳ (۲)، ۱۶۲-۱۴۷.

(DOI: 10.30473/clk.2024.71059.3261)

مقدمه

هنگامی که عقد وکالت منعقد می‌شود، وکیل و موکل نسبت به یکدیگر حق و تکلیف داشته، دارای روابط حقوقی، وظایف و مسؤولیت‌های متقابلی می‌شوند که رعایت این مسئله در حقوق کشور ایران و فرانسه لازم است. وکیل دادگستری در حقوق ایران و فرانسه بر اساس قوانین عام و خاص، در قبال موکل، مکلف به انجام تکالیفی می‌باشد، ولی تعهد او در مقابل موکل تعهد به نتیجه نمی‌باشد. بنابراین، صرف محکومیت موکل را نمی‌توان باعث مسؤولیت وکیل دانست. برخی حقوقدانان معتقدند هرگاه وکیل از اختیارات خود تجاوز کند و در نتیجه سبب ورود خسارت به موکل گردد، عمل او تعدی محسوب می‌شود و تعدی وکیل در مال موکل موجب ضمان او است و از موجبات بطلان و انحلال عقد نیست (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۵: ۳۵۹ و ۹۲۵). در مقابل پاره‌ای از نویسندگان معتقدند در صورتی که وکیل به عمد مصلحت موکل را نادیده بگیرد و بر خلاف مصلحت موکل معامله نماید، عمل او فضولی و معامله غیر نافذ است (امامی، ۱۳۹۹: ۲۲۴). البته هرچند تعهد وکیل در مورد رعایت مقررات آیین دادرسی تعهد به نتیجه است و عدم انجام این تعهدات منجر به مسؤولیت انتظامی می‌شود و در بعضی موارد موجب مسؤولیت مدنی وکیل نسبت به هزینه دادرسی می‌شود. به عنوان مثال، اگر شخصی دعوایی مطرح، سپس به وکیلی جهت شرکت در جلسات دادرسی وکالت دهد، ولی نامبرده در هیچ یک از جلسات دادرسی شرکت نکند و موکل به علت اعتماد به وکیل خود نیز در جلسات مزبور حضور نیابد و در نهایت موکل محکوم شود؛ در این مورد به نظر می‌رسد در صورتی که مشخص شود حتی اگر وکیل در جلسه دادرسی حضور می‌یافت بازهم حکم به ضرر موکل صادر می‌شد، هرچند وکیل ضامن نتیجه دعوی نیست، ولی مسئول جبران خسارت مربوط به هزینه دادرسی و حق الوکاله است. در صورتی منجر به مسؤولیت مدنی وکیل می‌گردد که وکیل در دعوی محکوم شود و رابطه سببیت بین عدم انجام تعهد مزبور و محکومیت موکل وجود داشته باشد. برای وکیل دادگستری همانند سایر اشخاص، مسؤولیت مدنی در مقابل ضرری که به دیگری وارد می‌نماید، متصور است. برای تحقق مسؤولیت مدنی اعم از قهری و قراردادی، شرایطی لازم است. ورود ضرر، فعل زیان‌بار و رابطه سببیت میان آن دو، شرایط عام و مشترک در مسؤولیت مدنی می‌باشد. متضرر از فعل زیان‌بار، در شرایطی می‌تواند دعوای مطالبه خسارت علیه واردکننده زیان را مطرح نماید که بتواند رابطه سببیت میان آن دو را ثابت نماید و یا به عبارتی دیگر

شخص زمانی مسؤولیت مدنی می‌یابد که با انجام فعلی زیان‌بار موجب ورود ضرر به دیگری شده و مهم‌تر اینکه بین عمل مرتکب و زیان وارده، رابطه علیت یا سببیت وجود داشته باشد (عسکری و نامدارپوربنگر، ۱۴۰۲: ۱۰۹).

در تمامی جوامع حرفه وکالت در زمره حائز اهمیت‌ترین مشاغل می‌باشد؛ چراکه هدف آن پررنگ شدن عدالت در جامعه و در جریان دادرسی و تظلم خواهی است؛ هدفی که با تحقق آن استحکام و تداوم جامعه بشری حفظ می‌گردد. از این‌رو تبیین وظایف و تعهداتی که با انعقاد عقد وکالت میان وکیل و موکل بر عهده وکیل قرار می‌گیرد، برای تحقق این مهم ضروری می‌نماید. تبیین مسؤولیت مدنی وکیل دادگستری در دو نظام ایران و فرانسه و نیز تبیین وظایفی که با انعقاد این عقد بر عهده وکیل دادگستری در برابر موکل قرار می‌گیرد، از جمله مهم‌ترین اهداف این مقاله است. در حقوق ایران رعایت حدود وکالت، رعایت مصلحت موکل و حفظ اسرار موکل در زمره مهم‌ترین وظایفی است که بر عهده وکیل قرار دارد. در حقوق فرانسه نیز وظایف مذکور از مهم‌ترین وظایف وکیل دادگستری به شمار می‌روند.

در خصوص موضوع مورد بحث در این مقاله عیناً مقاله‌ای یافت نشد، اما به صورت پراکنده در خصوص برخی از مباحث مطرح‌شده مطالبی به صورت پراکنده از سایر کتب و مقالات به رشته تحریر درآمده که در ادامه به چند مورد از آنها اشاره می‌شود.

ابراهیم دلشاد (۱۳۹۶) در کتابی با عنوان *عقد وکالت از منظر قانون مدنی و مقررات وکالت دادگستری* به بررسی این موضوع پرداخته است؛ نتایج حاصل از پژوهش ایشان نشان داد که با وجود آنکه مبنای اصلی کتاب، بررسی و تحلیل قواعد عمومی عقد وکالت در پرتو قانون مدنی ایران و مبنای فقهی آن است، منتها به تناسب بحث و فراخور حال، مباحث مربوط به «وکالت دعاوی» و رابطه و نسبت آن با عقد وکالت و مشابهت‌ها و تفاوت‌های آن با عقد وکالت با توجه به قوانین و مقررات خاص حاکم بر وکالت دعاوی نیز مطرح گردیده است.

علیرضا یزدانیان (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «قلمرو تعهدات و مسؤولیت مدنی موکل و وکیل ناشی از فعل شخصی و فعل غیر در مقابل یکدیگر و اشخاص ثالث در فقه و حقوق فرانسه»، به بحث و ارزیابی فقهی و حقوقی این موضوع پرداخت. داده‌های حاصل از مقاله نشان داد که وسعت تعهدات و مسؤولیت‌های هریک از وکیل و موکل در مقابل همدیگر است؛ در حقوق ایران مرسوم است که اصولاً به شرح پاره‌ای از

تعهدات و مسئولیت ناشی از ید ضمانی وکیل در صورت تعدی و تفریط در مقابل موکل بسنده شود.

عسکری، فریده و نامدار پوربنگر، مصطفی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «رفتار مسئولیت‌آفرین وکلای دادگستری در نظام حقوقی ایران» به بحث و بررسی این موضوع پرداختند. نتایج حاصل از مقاله نشان داد که لزوم احترام به حق جبران خسارت از جمله مباحثی است که کمتر به آن پرداخته شده است و لذا شناخت مبانی و حوزه‌های مسئولیت مدنی وکیل، ضروری است.

مفاهیم

در این قسمت از پژوهش به بررسی برخی از واژگان مهم پرداخته می‌شود:

۱. مفهوم وکالت

۱-۱. مفهوم وکالت در لغت

وکالت از نظر لغوی به معنی واگذاشتن و سپردن کار به دیگری از جانب خود است (عمید، ۱۳۹۷: ۱۲۶۶).

۱-۲. مفهوم وکالت در اصطلاح

معنای اصطلاحی آن نیز دور از معنای لغوی آن نیست. در اصطلاح قائم مقام ساختن و مأذون نمودن غیر و اعتماد کردن به اوست، اما از نظر حقوق مدنی مطابق با ماده ۶۵۶ قانون مدنی «وکالت عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین طرف دیگر را برای انجام امری نایب خود می‌نماید، اما در تعریف دیگری وکالت به معنای نایب کردن دیگری برای انجام عمل به نفع وی تعریف شده است (دلشاد، ۱۳۹۶: ۲۰).

طبق ماده ۶۵۶ ق.م. «وکالت عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین، طرف دیگر را برای انجام امری نایب خود می‌نماید». در حقوق فرانسه نیز طبق ماده ۱۹۸۴ قانون مدنی فرانسه، وکالت عملی است که به وسیله آن موکل به وکیل این اختیار را می‌دهد که برای موکل و به حساب وی امری را انجام دهد. این عقد نیز مانند عقود دیگر، اصولاً تعهداتی بر ذمه وکیل و موکل به وجود می‌آورد. دو عنوان «تعهدات وکیل» و «تعهدات موکل» در قانون مدنی گویای این است که با عقد وکالت تعهداتی بر ذمه طرفین بار شده و این تعهدات نیز قراردادی است. چنین وضعیتی در حقوق فرانسه نیز هست. چنانچه از ماده ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۷ قانون مدنی فرانسه در تعهدات موکل و از ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۲ قانون مدنی فرانسه در تعهدات

وکیل تنظیم شده که اگر هر یک از این «تعهدات قراردادی» نقض شود، بر ذمه متعهد، تعهد جدیدی تحت عنوان «مسئولیت مدنی قراردادی» به وجود خواهد آمد. چنانچه در عقد وکالت با توجه به اعتماد موکل به وکیل، «تکلیف به درستی و صداقت»^۱ بر اساس ماده ۱۹۸۴ قانون مدنی فرانسه، در تعریف وکالت چنین مقرر می‌دارد:^۲ «وکالت، عملی است که به وسیله آن، شخصی به دیگری اختیار می‌دهد چیزی (امری) را برای موکل و به نام او انجام دهد. عقد جز با قبول وکیل منعقد نمی‌شود». البته در ماده مذکور، مقنن واژه *procuration* را مترادف با لفظ *mandat* و در کنار آن به کار برده است. در واقع، هرچند واژه *procuration* در اصل، به معنای سند مبین عقد وکالت (وکالت‌نامه) به کار برده می‌شود و در عرف تنظیم اسناد و رویه دفاتر اسناد رسمی بسیار رایج است، اما در اصطلاح حقوقی و زبان محاوره، بدون تفاوت، به گونه مترادف با لفظ *mandate* استعمال می‌شود.

۱-۳. مفهوم وکالت در فقه

فقها در تعریف وکالت، تعبیر مشابهی را به کار برده‌اند که وصف مشترک این تعبیر «استنابه در تصرف» است (جواهر الکلام، ۱۴۰۴ ه.ق: ۳۴۷).

۲. مفهوم مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی در مفهوم اصطلاحی عبارت است از: تعهد شخص به جبران خساراتی که در نتیجه عمل یا ترک فعل منتسب و مربوط به وی به دیگری وارد می‌شود (خواجہ پیری، ۱۳۸۹: ۱۷).

۳. مفهوم مسئولیت مدنی وکیل

منظور از مسئولیت مدنی وکیل الزاماتی است که وکیل باید بر اساس قوانین و مقررات موضوعه از جمله: قانون وکالت، لایحه استقلال قانون وکلای دادگستری، آیین‌نامه‌های مربوطه، قانون مدنی، قانون مسئولیت مدنی و سایر قوانین لازم‌الاجرا برای وکلا مقرر شده گفته می‌شود. در واقع، به بیان مسئولیت

1. Un devoir de loyauté

2. Le mandat ou procuration est un acte par lequel, une autre, le pouvoir de faire quelque personne donne a une chose pour le mandant et en son nom. le contrat ne se forme que par l'acceptation du mandataire.

باشد. التزام به مفاد عقد قاعده‌ای است عام که در عقود جایز، لازم و خیارى نیز جاری می‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۲۴۷).

تعهدات و مسئولیت مدنی وکیل در حقوق ایران و فرانسه و آثار آن

همان‌طور که موکل مسئولیت قراردادی ناشی از فعل شخصی در مقابل وکیل یا طرف دیگر قرارداد دارد، به همین ترتیب وکیل در مقابل موکل مسئولیت قراردادی ناشی از عمل شخصی و گاه در مقابل موکل و یا دیگر اشخاص، مسئولیت ناشی از عمل غیر دارد (یزدانیان، ۱۳۹۷: ۱۸۴). هرگاه وکیل، تعهدات ناشی از عقد وکالت بین خود و موکل را نقض کند، وکیل، متعهد به جبران خسارات موکل خواهد شد. در این موارد که معمولاً وکیل واحدی قرار است تعهدات عقد وکالت را انجام دهد، شخصیت وکیل، علت عمده عقد نیست، اما درعین حال بی‌تأثیر هم نمی‌باشد. در این خصوص باید گفت که در حقوق ایران و فرانسه تعهدات قراردادی وکیل که ناشی از عقد وکالت است، عمدتاً شامل اجرای وکالتی است که به وی داده شده است و در صورت عدم انجام تعهدات و ورود خسارت به موکل، وکیل مسئول جبران خسارت وارد بر موکل است (یزدانیان، ۱۳۹۵: ۲۹۶-۲۹۵). به همین دلیل، وکیل خود باید شخصاً تعهدات را انجام دهد. در این صورت با نقض تعهدات از سوی وکیل؛ یعنی با عدم انجام تعهدات، وکیل، در برابر موکل، مسئولیت مدنی قراردادی ناشی از فعل شخصی پیدا می‌کند که این مسئولیت منوط به اجتماع شرایط مسئولیت مدنی قراردادی است. به‌هرحال این مسئولیت، مشروط به نقض تعهدات عقد وکالت است. از نظر حقوقی تکالیف و تعهداتی بر ذمه وی بار شده است مانند تعهد به سعی و کوشش و مراقبت و تعهد به صداقت و درستی و تعهد به دادن اطلاعات و دادن مشاوره که در قسمت‌های بعد به اهم این تکالیف و تعهدات اشاره می‌شود.

در ماده ۲۲۰ قانون مدنی ایران به تبعیت از ماده ۱۱۳۵ قانون مدنی فرانسه آمده است: «عقود نه فقط متعاملین را به اجرای چیزی که در آن تصریح شده ملزم می‌کند، بلکه متعاملین به کلیه نتایجی که به موجب عرف و عادت که به موجب قانون از عقد حاصل می‌شود ملزم هستند». منتها در ماده ۲۲۰ قانون مدنی ایران به انصاف و حسن نیت که از ویژگی‌های حرفه‌ای وکیل هست توجه نشده است، حال آنکه در قانون مدنی فرانسه به این ویژگی اشاره شده است. (ماده ۱۱۳۵ قانون مدنی فرانسه: «حقوق نه فقط متعاملین را نسبت

قانونی وکیل در برابر موکل، محاکم قضایی و افراد ثالث و نیز کانون وکلای دادگستری، متولی اعمال مجازات انتظامی علیه وکیل است (بانی، ۱۳۹۶: ۶۰۰).

در حقوق فرانسه در قانون ۱۵ دسامبر ۱۹۷۱ فرانسه در مورد مسئولیت مدنی وکلا، اشتغال به وکالت و صلاحیت مراجع قضایی، قواعد عمومی را نسخ نمی‌کند، اما در آن دو شرط قرار داده است که در ایفای نقش جدید وکیل نیز صدق می‌کند (نماینده رسمی موکل، استرداد وجوه). از این‌رو، قانون مذکور لزوم مسئولیت مدنی وکیل و تضمین استرداد وجوه و اوراق بهادار با اسناد را پیش‌بینی کرده است. از این‌جهت، پیش‌طرح تصویب‌نامه اوت ۱۹۹۱ جای تصویب‌نامه ۲۵ اوت ۱۹۷۲ را گرفته است.

رسیدگی به مسئولیت مدنی وکلا در قبال موکلین مطابق با قواعد عمومی دادرسی صورت می‌گیرد. پس از پایان وکالت، دعوی مسئولیت مدنی که در ضمن وکالت مطرح می‌شود پس از ده سال مشمول مرور زمان می‌شود. پس از اقامه دعوی مسئولیت مدنی علیه وکیل، نامبرده مکلف است بلافاصله آن را به رئیس کانون وکلا اطلاع دهد. در فرانسه پیش‌طرح تصویب‌نامه اصرار دارد که وکیل پیش از تسویه نهایی، صورت‌حساب ویژه را تسلیم موکل کند. این صورت‌حساب از یک‌سو باید مخارج عدلیه و هزینه سفر و از سوی دیگر مخارج تعرفه دار و حق‌الوکاله را یک‌به‌یک در برداشته باشد. وکیل مکلف است که وجوه دریافتی را به‌عنوان پیش‌پرداخت (مساعده) در آن ذکر کند. به‌اضافه این صورت‌حساب به‌محض درخواست موکل یا رئیس کانون وکلا، رئیس دادگاه شهرستان یا رئیس کل دادگاه‌های استان که مشمول رسیدگی به اختلاف حق‌الوکاله یا مالیات است، باید تسلیم شود (صدرزاد، ۱۳۷۷: ۱۶-۱۷).

۴. مفهوم تعهدات

تعهد بر وزن تفعّل، از ریشه «ع ه د» است و در لغت به معنای بر عهده گرفتن و عهد و پیمان بستن آمده است (عمید، ۱۳۹۷: ۳۳۳). دو واژه عهد و تعهد اگرچه در فقه اسلامی به کار رفته‌اند، اما محور سخن با توجه به معنای مصدری آن؛ یعنی عقد مورد استفاده بوده است (قنوتی و دیگران، ۱۳۸۸: ۶۸). به‌طورکلی در علوم قضایی و سیاسی تعهد عبارت است از به عهده گرفتن انجام عملی یا از عملی دوری جستن که این موارد می‌تواند قانونی باشد و هم می‌تواند انگیزه اخلاقی داشته

آیین‌نامه داخلی کانون‌های وکلای فرانسه آمده که وکیل باید قرارداد کتبی که طبیعت، دامنه و مدت مأموریت پیشین را و همچنین شرایط و چگونگی آن و نحوه پرداخت حق‌الزحمه را مشخص نماید و به امضای موکل برساند و در انتها نیز آمده است که هر وکالتی که به وکیل دادگستری داده می‌شود، باید کتبی و همراه با نام و خصوصیات موکل و ذکر موضوع وکالت باشد (شورای ملی کانون‌ها، آیین‌نامه داخلی هماهنگ‌شده کانون‌های وکلای فرانسه، ۱۱).

۱. تعهدات قانونی وکیل

تعهدات قانونی الزاماتی است که به موجب قانون برای شخص ایجاد می‌شود. الزامات وکیل دادگستری را می‌توان به طور اخص ناشی از قوانین و آیین‌نامه‌های وکالت و به طور عام ناشی از قوانین قواعد عمومی دانست. از وظایف قانونی وکیل می‌توان به صداقت و درستکاری، رعایت حدود اختیارات در وکالت، پیگیری و مراقبت‌های لازم در دعوی، تشویق به سازش و ... اشاره کرد که در ذیل به بررسی هریک در دو نظام حقوقی ایران و فرانسه می‌پردازیم.

الف) تعهد به انجام موضوع وکالت و دادن حساب

تعهد اصلی وکیل، انجام مأموریتی است که موکل به وی واگذار کرده است. همچنین باید نسبت به اداره اموال موکل حساب داده و هر آنچه را به جای وی گرفته مسترد دارد (Maurie, 1998: 15).

ب) تعهد به انجام کوشش متعارف

در این زمینه هر عملی را که عرفاً وکیل خلاف آن را انجام دهد، مسئولیت مدنی قراردادی خواهد داشت. عقد وکالت وکیل را ملزم می‌کند که نه تنها دستورات موکل را عملی سازد، بلکه در غیاب دستورات صریح در انجام مأموریت خود سعی و کوشش متعارف داشته باشد. برخی از نویسندگان فرانسوی بین این دو تعهد؛ یعنی تعهد به اجرای دستورات موکل و تعهد به سعی و کوشش متعارف، از جنبه نظری قائل به تفکیک هستند، اما در عمل در موردی که مسئولیت مدنی وکیل مطرح می‌شود، محاکم فرانسوی تفاوت چندانی بین آنها قائل نیستند و هر دو را تا حدودی مشابه هم می‌دانند (Terré, Simler, Lequette, 2005: 182).

در حقوق ایران نیز این دو تعهد مطرح شده است؛ به طوری که بر اساس ماده ۶۶۷ ق.م. این امر می‌طلبد که وکیل مفاد

به چیزی که در آنها تصریح شده ملتزم می‌کند، بلکه آنها را به کلیه نتایجی که انصاف، عرف و عادت یا قانون به اقتضای تعهد قائل است نیز ملتزم می‌کند؛ آنچه از این ماده برداشت می‌شود این است که اگر وکیل به تعهدات قراردادی خود عمل نکند، در صورت تخلف مسئول جبران خسارت است، ولی اگر وکیل تلاش وسیعی خویش را بنماید، اما به نتیجه نرسد در برابر موکل مسئول نیست. اخلاق حرفه‌ای ایجاب می‌کند که وکلا در قبول وکالت هرچند که بر اساس اصول حقوقی، مدارک و دلایل ابرازی موکل را جهت طرح دعوا یا دفاع از موکل کافی بدانند، نباید به موکل وعده قطعی و صددرصد برای کسب نتیجه و موفقیت در دعوی را بدهند؛ زیرا موفقیت یک دعوا به عوامل متعددی بستگی دارد، از جمله ممکن است دلایل جدیدی در جریان دادرسی از طرف مقابل ارائه شود که جریان دادرسی را عوض کند. بنابراین، وکیل باید با صداقت کامل را داشته باشد و بر اساس مدارک موجود احتمال موفقیت و شکست را به موکل خاطرنشان کند (رئیزی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲).

با توجه به آنچه بیان شد، تعهد وکیل، تعهد به وسیله است (یعنی اینکه وکیل نمی‌تواند تعهد بدهد که صددرصد در پرونده موفق خواهد بود)، نه تعهد به نتیجه (یعنی تعهد به گرفتن صد درصد رأی به نفع موکل خودت دهد). برای نمونه با توجه به مفهوم بند ۳ ماده ۷۷ «آیین‌نامه اصلاح استقلال کانون وکلا» در صورتی که وکیل به وسیله فریبنده تحصیل وکالت نماید به مجازات انتظامی درجه چهار محکوم می‌شود و همچنین بر اساس بند ۱۳ ماده ۹۱ «لایحه قانون جامع وکالت» که اشعار می‌دارد: «مرتکبین هر یک از تخلفات ذیل به یکی از مجازات انتظامی درجه ۵ تا ۷ محکوم می‌شوند: ... ۱۳- تضمین شفاهی یا کتبی مبنی بر اخذ حکم به نفع موکل». همچنین مطابق بند ۱۵ ماده ۹۰ لایحه جامع وکالت «اگر وکیل اظهار به داشتن اعتبار و نفوذ نزد مراجع قضایی، شبه قضایی و اداری جهت تشویق مراجعه‌کنندگان به انعقاد وکالت» نماید، متخلف به یکی از مجازات‌های انتظامی درجه ۱ تا ۵ محکوم می‌شود. پس می‌توان بر اساس لایحه جدید و قانون قدیم نتیجه گرفت که تعهد وکیل تعهد به وسیله است و در صورت تعهد به نتیجه رفتار او برخلاف اخلاق حرفه‌ای یک وکیل تخلفی انتظامی می‌باشد. در حقوق ایران رابطه حقوقی بین وکیل دادگستری و موکل با انعقاد عقد وکالت و تنظیم وکالت‌نامه رسمی آغاز می‌شود، اما در کشور فرانسه لزوم وکالت‌نامه سریع و رسمی مورد تأکید قرار نگرفته است. همچنین در بند ۳ ماده ۶

است. چنانچه در مواردی که تأخیر می‌تواند به زیان موکل منتهی گردد، وکیل باید با سرعت، موضوع وکالت را انجام دهد. تعهد به سعی و کوشش و مراقبت، زمینه‌ساز تعهد دیگر وکیل؛ یعنی «حرکت و پویایی»^۶ است. چنانچه وکیل باید پویا و پر تحرک باشد. همچنین متعهد است در کار خود «اصرار و پشتکار» داشته و تعهد به سعی و کوشش و مراقبت متعارف، شامل «تعهد به احتیاط»^۷ نیز می‌باشد (Bertolaso, 1999: 415). به قول فقها وکیل باید تام البصیره باشد تا بتواند به خوبی ایفای نقش کند (عاملی، ۱۴۱۰: ۵ق: ۲۶۴) و برخی نیز دانستن زبان را شرط کرده‌اند (طوسی، ۱۴۰۸ ق: ۲۸۲).

تعهد به صداقت و درستی: تعهد دیگر، تعهد به درستی و صداقت و رعایت مصلحت موکل است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵: ۵ق: ۲۱۲) اعتماد و امانت بر روابط وکیل و موکل سایه افکنده و همین امر می‌طلبد تا وکیل، مأموریت خویش را در راستای منافع موکل به پایان رساند. وکلای دادگستری فرانسه نیز همانند وکلای ایران به درستکاری و صداقت خود سوگند یاد می‌کنند. متن سوگند وکلای فرانسه بدین شرح است: «سوگند یاد می‌کنم که به عنوان وکیل وظایفم را بر اساس صداقت، وجدان، استقلال، درستکاری و انسانیت انجام دهم». همچنین درستکاری و صداقت وکیل در بند ۳ ماده ۱ آیین‌نامه داخلی کانون وکلای فرانسه مورد ذکر واقع شده است که باید وکیل وظایفش را با شایستگی، وجدان، استقلال، درستکاری، انسانیت انجام دهد و اصول شرافت و درستی، همکاری، نزاکت، ملامت و ادب را رعایت کند (شورای ملی کانون‌ها، آیین‌نامه داخلی هماهنگ‌شده کانون‌های وکلای فرانسه: ۲). پس با توجه به مطالبی که در قوانین ایران و فرانسه ذکر شده می‌توان گفت که درستکاری و صداقت یکی از اصول بنیادی و پایه در هر دو نظام است.

به عبارت دیگر، تعهد دیگر وکیل، تعهد به درستی و صداقت و رعایت مصلحت موکل است که عدم رعایت این تعهد نیز می‌تواند به مسئولیت مدنی وکیل در مقابل موکل منتهی شود. به گونه‌ای که مستند به ماده ۶۶۷ ق.م. چنانچه وکیلی که از اختیاراتی که به وی عطا شده در جهت منافع خاص خود یا منافع شخص ثالثی غیر از موکل استفاده کند، از اختیارات خود انحرافات ورزیده است. به همین دلیل وکیل از

تعهدات موضوع وکالت را انجام داده و خارج از آن اختیارات دیگری ندارد. ماده ۶۶۳ ق.م. به تبع از ماده ۱۹۸۹ قانون مدنی فرانسه مقرر می‌دارد: «وکیل نمی‌تواند عملی را که از حدود وکالت او خارج است انجام دهد». با وجود این، وکیل متعهد است تا با توجه به فرائن و عرف و عادت، مراقبت به عمل آورده و در راستای انجام موضوع وکالت سعی و کوشش متعارف نماید و این امر به این معناست که بر حسب اوضاع و احوال متفاوت، وکیل باید اقدامات متنوعی را انجام دهد. به عنوان مثال یک وکیل موظف است تا اجازه ندهد که موضوع دعوی موکل وی مشمول مرور زمان شود. همچنان‌که به تعبیر برخی از نویسندگان حقوق مدنی فرانسه، تأخیر وکیل نباید منشأ «ابطال دادخواست به جهت تأخیر و عدم تعقیب آن در مدت معین» باشد. همچنین تعهد به سعی و کوشش و مراقبت، خود زمینه‌ساز تعهد دیگری برای وکیل است و آن «حرکت و پویایی»^۲ وکیل است. چنانچه وکیل باید پویا و پرتحرک باشد. همچنین وی متعهد است تا در کار خود اصرار داشته و دارای پشتکار^۳ باشد و در نهایت فرضی که مشکلات بر سر راه اجرای موضوع وکالت به وجود می‌آید، در حل آنها اصرار داشته باشد. لازم به یادآوری است که تعهد به سعی و کوشش و مراقبت متعارف، شامل «تعهد به احتیاط»^۴ نیز می‌باشد. به عنوان مثال وکیلی که سندی مهم مانند چک با مبلغ سنگینی را از طریق پست ارسال می‌دارد، با عدم رعایت تعهد به احتیاط در واقع تعهد به سعی و کوشش و مراقبت متعارف خود را نادیده گرفته و تحمیل مسئولیت مدنی بر وی مانعی نخواهد داشت. در موردی نیز که موکلی به وکیل وکالت می‌دهد تا نسبت به طلبکار موکل دینی را فوراً پرداخت کند، وکیل باید جانب احتیاط را فرو نگذارد و تدابیری بیندیشد تا ادای دین به موقع صورت پذیرد و بنابراین، اگر وکیل چکی را با پست عادی ارسال می‌دارد، تعهد به احتیاط را نقض کرده و مسئول خواهد بود (Bertolaso, 1999: 1).

تعهد به کوشش متعارف: وکیل باید در غیاب دستورات صریح موکل، در انجام مأموریت خود سعی و کوشش متعارف داشته (Terré, François, 2005: 47) و بر حسب اوضاع و احوال متفاوت، باید اقدامات متنوعی انجام دهد. مثال، یکی از تعهدات وکیل، «سرعت و شتاب و چابکی خاصی»^۵

6. Dynamisme
7. persévérant
8. Obligation de prudence

1. distance Une preemption
2. Dynamisme
3. perseverant
4. Obligation de prudence
5. Célérité

معاملاتی که معارض منافع موکل است، ممنوع بوده و حتی نمی‌تواند در قراردادی که برای موکل منعقد می‌نماید، مداخله کند مگر اینکه موکل موافقت خود را اعلام نماید. در غیر این صورت، قراردادی که وکیل منعقد کرده است، مخدوش می‌باشد. در حقوق فرانسه ضمانت اجرای چنین قراردادی بطلان است. در حقوق ایران نیز می‌توان چنین گفت که اگر موکلی خارج از حدود وکالت، قراردادی منعقد کند، عقد غیر نافذ بوده و منوط به تنفیذ موکل خواهد بود. ماده ۱۰۷۴ نیز در موردی عدم رعایت مصلحت موکل نیز سرایت داده و مقرر می‌دارد: «حکم ماده فوق در موردی نیز جاری است که وکالت بدون قید بوده و وکیل مراعات مصلحت موکل را نکرده باشد». با وجود این، چنین ضمانت اجرای اعتباری؛ یعنی بطلان در حقوق فرانسه یا عدم نفوذ در حقوق ایران که برای عمل حقوقی در نظر گرفت شده است، مانع از این نخواهد بود که طبق قواعد عمومی مسئولیت مدنی، وکیل در برابر موکل مسئول جبران خسارت وارد شده به وی نیز باشد. نکته دیگر اینکه نقض تعهد به رعایت درستی و صداقت و رعایت مصلحت موکل ممکن است به شکل تقلب و خیانت نیز ظاهر شده و در این مورد نیز اگر خسارتی به موکل وارد شود، وکیل مسئول جبران خسارات خواهد بود. در حقوق فرانسه نقض تعهد به درستی و صداقت می‌تواند به شکل رقابت متقلبانه نیز ظاهر شده و این امر هم صرف نظر از جنبه مجرمانه، می‌تواند سبب تعهد به جبران خسارت شده و از این رو چنین امری از منظر حقوق مسئولیت مدنی نیز قابل طرح است (Bertolaso, 1999: 1).

تعهد به دادن اطلاعات و مشاوره: تعهد دیگری که می‌توان در مورد حرفه وکالت برای وکیل در نظر گرفت، تعهد به دادن اطلاعات و تعهد به دادن مشاوره می‌باشد که نقض این تعهد نیز می‌تواند منتهی به مسئولیت مدنی وکیل شود. در حقوق فرانسه از زمانی که وکالت‌های حرفه‌ای ظهور پیدا کردند، محاکم فرانسوی وکلا را متعهد به دادن اطلاعات و دادن مشاوره دانستند. بر این مبنا وکیل متعهد به دادن اطلاعات و مشاوره‌هایی در مورد موضوع وکالت به موکل می‌باشد. در مورد وکلای غیر حرفه‌ای، باید فرض بر این باشد که این اشخاص آگاهی و تخصص دادن اطلاعات خاص را ندارند. با وجود این، اگر موکل ثابت کند که وکیل مزبور به‌رغم اینکه حرفه‌ای نیست، ولی اطلاعات و آگاهی داشته است، در صورتی که اطلاعات و مشاوره به موکل ارائه ندهد، مسئول جبران خسارات می‌باشد. در فرانسه، وکیل، متعهد به دادن اطلاعات و

مشاوره‌هایی در مورد موضوع وکالت به موکل است. بنابراین، وکیلی که فراموش کند تا طرق دفاع را به موکل خویش یادآور شود، تعهد به دادن اطلاع را نقض کرده و مسئول است و وکیلی که توجه موکل خود را به تضمین‌های یک سند جلب نکرده، از وظیفه اطلاع‌رسانی و مشاوره طفره رفته است (Bertolaso, 1999: 415). در اینجا این سؤال ممکن است مطرح شود که اگر موکل خود دارای تخصص و آگاهی در زمینه موضوع وکالت داشته باشد، آیا وکیل موظف به دادن اطلاعات و مشاوره هست یا نه؟ در پاسخ به این سؤال ممکن چنین استدلال شود که با توجه به تخصص موکل، وکیل از دادن اطلاعات و مشاوره معاف است. با وجود این، در حقوق فرانسه دیوان عالی کشور در ۷ ژوئن ۱۹۹۸ در یکی از آرای خود نماینده آگاه را از دادن اطلاعات و مشاوره به موکل آگاه معاف نکرده است. بنابراین، طرح مسئولیت مدنی وکیل در مقابل موکل به این معناست که اصولاً یکی از این سه تعهد از سوی وکیل نقض شده است.

تعهد به حفظ اسرار موکل: در مورد حفظ اسرار موکل ماده ۳۰ قانون وکالت ۱۳۱۵ چنین اشعار می‌دارد: وکیل باید اسراری را که به واسطه وکالت از طرف موکل مطلع شده و همچنین اسرار مربوط به حیثیات و شرافت و اعتبارات موکل را حفظ نماید. در آیین‌نامه اصلاح لایحه قانون وکلای دادگستری در بند ۲ ماده ۷۸ «در صورتی که به واسطه وکالت از اسرار موکل و طرف مقابل پرونده یا قائم مقام یا وکلای آنان و کارشناس مطلع شده و آن را افشا نماید، اعم از اینکه اسرار مزبور مربوط به امر وکالت یا شرافت و حیثیت و اعتبار آنان باشد، به مجازات انتظامی درجه پنج محکوم خواهد شد». افشای اسرار دیگران عملی غیراخلاقی و ناپسندی است که در ماده ۶۴۸ قانون مجازات با ضمانت اجرای کیفری محکوم شده است. طبق این ماده: «اطبا، ماماها و جراحان و داروفروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند، هرگاه در غیر از موارد قانونی اسرار مردم را فاش کنند به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و به یک میلیون و پانصد هزار تا شیش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند». با توجه به اطلاق عبارت که شامل کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌گردند، شامل وکالت نیز می‌شود و همچنین می‌توان به ماده ۹۱ از لایحه جامع وکالت اشاره کرد که بیان می‌دارد: «مرتکبین هر یک از تخلفات ذیل به یکی از مجازات‌های انتظامی درجه ۵ تا ۷ محکوم می‌شوند: ... ۱۱- افشای اسراری که به اقتضای امر وکالت از آن مطلع شده

دامنه و مدت مأموریتش را معلوم می‌سازد شرایط و چگونگی آن و نحوه پرداخت حق الزحمه را مشخص نماید.

۲. مسئولیت مدنی قراردادی موکل و وکیل

از نظر توصیف به عنوان یک اصل، مسئولیت مدنی قراردادی وکیل در قابل موکل، مسئولیت مدنی قراردادی است. در نتیجه در حقوق ایران چینی مسئولیتی تابع ماده ۶۶۶ قانون مدنی است و در موارد سکوت تابع قواعد عمومی مسئولیت مدنی قراردادی؛ یعنی ماده ۲۲۶ تا ماده ۲۳۰ می‌باشد. در حقوق فرانسه نیز مسئولیت وی تابع ماده ۱۹۹۱ قانون مدنی بوده و در مواردی که ماده ۱۹۹۱ ساکت است، تابع ماده ۱۱۴۷ به بعد قانون مدنی فرانسه می‌باشد (Bertoloso, 1999: 1).

گرچه در برخی از سیستم‌های حقوقی وکالت عقدی مجانی بوده، ولی به نظر می‌رسد این امر منافاتی با تعهدات وکیل ندارد. چنانچه در قرن ۱۹ تصور بر این بود که وکالت قراردادی رایگان بوده و ماده ۱۹۸۶ قانون مدنی فرانسه یادگاری از این دوره است که مقرر می‌دارد: عقد وکالت مجانی است، مگر شرط خلافی شده باشد. با این ایده گویا فرض بر این است که وکالت عقدی دوستانه بوده است تا عقدی تجاری. با این دیدگاه، بدیهی است که باید از چنین دوستی حمایت کرد و بر وکیل سخت‌گیری نکرد. همان‌گونه که در حقوق فرانسه قانونگذار در ماده ۱۹۹۲ قانون مدنی فرانسه تا حدودی از وکیل مجانی حمایت کرده است و در مقایسه با وکیلی که در ازای دریافت دستمزد، فعالیت می‌کند، بر وکیلی که مجانی عمل می‌کند، سخت‌گیری را روا نمی‌دارد. همچنان که دامنه تعهدات وکیل گسترش یافته و تعهداتی مانند دادن اطلاعات یا دادن مشاوره نیز بر عهده وکلا بار شده است (Bertoloso, 1999: 1). در این خصوص می‌توان به قاعده احسان اشاره کرد. قاعده احسان یکی از مهم‌ترین قواعد فقهی است و بر اساس این قاعده هرگاه کسی به انگیزه خدمت و نیکوکاری به دیگران، موجب ورود خسارت به آنان شود، اقدامش مسئولیت‌آور نیست. در تأیید قاعده احسان به پاره‌ای از احادیث و روایات نیز استناد شده است. پس کسی که عملی را انجام می‌دهد در واقع به موجب ادله ضامن، ضامن می‌باشد. مثلاً چنانچه شخصی به جهت فضولی در اموال دیگری آن را تصرف نماید و تصرف او موجب تلف یا نقص اموال گردد، موجب ضمان است، منتهی اگر این عمل با حسن نیت فاعل و به قصد مراقبت از مال مالک و به انگیزه خدمت به او بوده

است، در غیر از موارد قانونی». در ماده ۵۰۷۰ مقررات داخلی کانون وکلای پاریس در رابطه با رازداری و حفظ اسرار موکل مقرر می‌دارد: «در همه زمینه‌ها روابط میان وکیل و موکل او چه به صورت شفاهی یا کتبی جزو اسرار شغلی است. اسرار شغلی، کلی، مطلق و نامحدود در زمان می‌باشد و این به خاطر نظم عمومی است» (ذوالعین، ۱۳۷۶: ۷۳). مجازات تخطی از حفظ اسرار حرفه‌ای یک جرم جنحه‌ای است. مطابق ماده ۳ آیین‌نامه داخلی هماهنگ‌شده کانون وکلای فرانسه که به محرمانه بودن مکاتبات بین وکلا اختصاص یافته در فرانسه همه مبادلات بین وکلا اعم از کتبی یا شفاهی از اسرار حرفه‌ای هستند و تبعاً محرمانه می‌باشند. مکاتبات بین وکلای دادگستری هر اندازه حائز اهمیت باشد را در هیچ موردی نمی‌توان توقیف یا در دادگاه ابراز کرد یا تصمیم به محرمانه بودن آن گرفت، البته استثنائاتی در این مورد وجود دارد (شورای ملی کانون‌ها، آیین‌نامه داخلی هماهنگ‌شده کانون‌های وکلای فرانسه: ۴).

تعهد به رعایت حدود اختیارات در وکالت: دامنه اختیارات آن مواردی است که در وکالت‌نامه قید شده یا برحسب قرائن، عرف و عادت جزو اختیارات وکیل می‌باشد. البته در مورد حیطه اختیارات وکیل توجه به قاعده فقهی اذن در شیء، اذن در لوازم آن است ضروری است (محمدی، ۱۳۸۳: ۲۳۲).

ماده ۶۷۱ قانون مدنی ایران در این مورد مقرر می‌دارد: «وکالت در هر امری مستلزم وکالت در لوازم و مقدمات آن نیز است مگر تصریح به عدم وکالت باشد». پس معیار تشخیص حدود اختیارات وکیل علاوه بر آنچه صراحتاً در وکالت‌نامه آمده، قرائن عرف و عادات و قاعده فقهی اذن در شیء اذن در لوازم آن است، می‌باشد. وکیل نباید از حدود و اختیارات خود تجاوز کند. بر اساس آیین‌نامه داخلی هماهنگ‌شده کانون‌های وکلای فرانسه در ماده ۴-۳ در مورد حدود اختیارات وکیل مقرر می‌دارد وکیل دادگستری می‌تواند در سایر دعاوی موکلین خود بدون کسب موافقت دخالت کند، مشروط بر اینکه این دعاوی باهم تعارض نداشته باشند و به استقلال او لطمه نزنند و به اسرار حرفه‌ای آسیبی وارد نسازد، اما در ایران منطبق با بند ۱ ماده ۳۵ آیین دادرسی مدنی وکیل در یک پرونده حق دخالت در پرونده‌های دیگر موکل را ندارد و حتی وکیل در یک پرونده در صورتی که صراحتاً حق اعتراض در مراجع بالاتر را نداشته باشد نمی‌تواند در مرجع بالاتر وکالت نماید. در ماده ۶ آیین‌نامه فوق‌الذکر در بند ۳ مقرر می‌دارد: وکیل باید قرارداد کتبی که

باشد، آنگاه به طور اتفاقی موجب زیان و ضرر شود، اقدام کننده یا فاعل ضامن نیست، چون در این عمل قصد احسان داشته است (حسینی احمدوندی، ۱۴۰۱: ۱). مثال دیگری که در این خصوص می‌توان زد در خصوص مسئولیت مدنی وکیل است؛ به طوری که برخی از فقها جلب منفعت به دیگری را مستلزم محذورات ذیل دانسته‌اند:

الف) اموری مانند ولایت و وکالت در اغلب موارد بی فایده خواهد بود؛ زیرا ولی و وکیل همیشه به نفع مولی علیه اقدام می‌کنند، در فرض بروز خسارت مسئولیتی نخواهند داشت.

ب) افرادی که صاحب صنعت بوده و کارگران در صورتی که مجانی و تبرعی برای کسی کار کنند و عمل آنان موجب تخریب و فساد مورد عمل شود، ضامن نباشند؛ زیرا محسن محسوب می‌شوند (آهنگران و رضائزاد، ۱۴۰۰: ۸۱).

البته نقض تعهدات موجود در عقد وکالت که اصولاً منتهی به ایجاد مسئولیت مدنی قراردادی می‌شود، مانع از این نیست که نقض هر کدام از تعهدات مزبور، سبب تحقق مسئولیت‌های دیگری برای وکیل باشد. چنانچه عدم رعایت برخی از نکات وکالتی می‌تواند منتهی به مسئولیت انضباطی وکیل گردد. نکته قابل توجه این است که در مورد توصیف رابطه وکیل دادگستری و موکل به رابطه قراردادی اختلاف است و این اختلاف عقیده بر روی توصیف مسئولیت وکیل بی‌تأثیر نیست. چنانچه عده‌ای مسئولیت وکیل را قراردادی و عده‌ای مسئولیت مدنی قهری توصیف کرده‌اند (Vaillier, 2014: 3) که در این کتاب صرف نظر از این اختلاف با توجه به ماده ۶۵۶ ق.م. مسئولیت وکیل به طور مطلق بر مبنای قراردادی که با موکل دارد، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

محسوب می‌شود و به عبارتی باید در این میان وکیل را خارج از روابط قرارداد بیع دانست، اما نباید فراموش کرد که وکیل سبب شده است تا رابطه بین بایع و خریدار ایجاد شود. به همین دلیل در حقوق فرانسه تعهدات و مسئولیت وکیل در مقابل اشخاص ثالث نیز قابل طرح است. بنابراین، مسئولیت مدنی وکیل از دو جنبه متفاوت قابل طرح است؛ یکی مسئولیت مدنی وکیل در برابر موکل و دیگری مسئولیت مدنی وکیل در برابر اشخاص ثالث.

از سوی دیگر، در حقوق ایران و فرانسه تعهدات قراردادی وکیل که ناشی از عقد وکالت است، عمدتاً شامل اجرای وکالتی است که به وی داده شده و در صورت عدم انجام تعهدات و ورود خسارت به موکل، وکیل مسئول جبران خسارت وارد بر موکل است (Colin (Ambroise), 2014: 3) (ماده ۶۶۶ ق.م. و ماده ۱۹۹۱ قانون مدنی فرانسه). از نظر توصیف به عنوان یک اصل، مسئولیت مدنی وکیل در مقابل موکل، مسئولیت مدنی قراردادی است. در نتیجه در حقوق ایران چنین مسئولیتی تابع ۶۶۶ ق.م. است و در موارد سکوت تابع قواعد عمومی مسئولیت مدنی قراردادی؛ یعنی ماده ۲۲۶ تا ماده ۲۳۰ ق.م. است. در حقوق فرانسه نیز مسئولیت وی تابع ماده ۱۹۹۱ قانون مدنی فرانسه بوده و در مواردی که ماده ۱۹۹۱ ساکت است، تابع ماده ۱۱۴۷ به بعد قانون مدنی فرانسه می‌باشد. با وجود این، بر حسب اینکه وکالت وکیل بدون حق توکیل باشد یا نه، ممکن است تفاوت‌هایی در مسئولیت مدنی وکیل وجود داشته باشد. چنانچه در مواردی مسئولیت مدنی وکیل تابع مقررات ید ضمانی نیز خواهد شد (Bertolaso (Sabine), 1999: 1) که در قسمت‌های آتی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۲. بار اثبات تقصیر

بر اساس نظریه تقصیر و یا سیستم مسئولیت شخصی و محدود، مسئولیت مدنی وسعت چندانی ندارد و محدود است به موردی که عامل حادثه زیان‌بار مرتکب خطا شده و تنها در صورتی ملزم به جبران خسارت خواهد بود که مرتکب رفتاری نامتعارف شده باشد و آن رفتار هم علت ایجاد خسارت باشد. بنابراین، در مسئولیت مبتنی بر تقصیر، عملکرد اشخاص را با رفتار عادی و متعارف و عمل اشخاص محتاط مقایسه کرده و اگر خواننده دعوی مسئولیت مدنی، احتیاط لازم را مراعات نموده باشد و مرتکب تقصیر نشده باشد، مسئول جبران خسارت نخواهد بود. تقصیر هم به موجب ماده ۹۵۳ قانون مدنی ایران اعم از تعدی و تفریط. مطابق ماده ۳۳۶ قانون

۱-۲. مسئولیت در برابر موکل و اشخاص ثالث

در مواردی که سخن از مسئولیت وکیل مطرح می‌شود، بیشتر مسئولیت وکیل در برابر موکل به ذهن تداعی می‌گردد، اما به نظر می‌رسد می‌توان مسئولیت وکیل در برابر اشخاص ثالث را نیز مورد بررسی قرار داد. چنانچه در مواردی که موضوع وکالت انجام عمل حقوقی است، اصولاً اشخاص ثالث نیز در دایره این روابط قرار می‌گیرند. منظور از اشخاص ثالث، اشخاصی هستند که خارج از قرارداد وکالت قرار می‌گیرند. به عنوان مثال در مواردی که موضوع وکالت فروش مال متعلق به موکل است. قرارداد وکالت بین موکل و وکیل بوده و خریدار نسبت به عقد وکالت، شخص ثالث به حساب می‌آید. قرارداد بیع نیز بین موکل و خریدار است و وکیل نسبت به عقد بیع، شخص ثالث

دست آمده که ظاهراً صحبت از تقصیر و تقلب وکیل شده است و گویا تقدم نیز به این تعهد؛ یعنی تعهد به وسیله داده شده است. درخصوص موضوع مورد بحث اخیراً در رویه قضایی فرانسه می‌توان تحولی را مشاهده کرد و آن این است که رویه قضایی بین «نقض کامل تعهد»^۱ و «اجرای بد تعهد»^۲ قائل به تفکیک شده است. بر مبنای این تفکیک، فرض تقصیر که در مورد وکیل هست که وی را جز در صورت فورس ماژور مسئول قلمداد می‌کند، فقط در مورد نقض کامل تعهدات از سوی وکیل بوده و در مورد اجرای بد تعهد کاربرد ندارد. این نظر بر تقسیم‌بندی تعهدات وکیل به تعهدات به نتیجه تعهد به وسیله بی‌تأثیر نیست. چنانچه در صورت نقض کامل تعهد، گویی تعهد وکیل، تعهد به نتیجه بوده و در صورت اجرای بد تعهد، گویی تعهد وکیل، تعهد به وسیله ارزیابی می‌شود. در این صورت در حالت اول، وکیل مسئول جبران خسارات خواهد بود و معاف نیست، مگر اینکه فورس ماژور را به اثبات رساند، اما در حالت دوم موکل باید تقصیر وکیل را به اثبات رساند. برخی از نویسندگان فرانسوی مانند «لارومه»^۳ در توجیه منطقی این تفکیک معتقدند که استعداد و ظرفیت تحمل بار اثبات دلیل بر حسب اینکه موکل ادعای نقض کامل تعهدات را داشته باشد یا مدعی باشد که وکیل تعهدات را بد اجرا کرده است، متفاوت خواهد بود. با وجود این، صرف نظر از توجیه اخیر در حقوق فرانسه، حقوقدانان در مورد مسئولیت مدنی وکیل در مواردی فرض را بر مسئولیت گذاشته و در مواردی از این فرض طفره می‌روند. حالت اول فرض مسئولیت در مورد نقض کامل تعهد است که فرض بر مسئولیت مدنی وکیل است. چنانچه که گفته شد در حالت نقض کامل اجرای تعهدات بیشتر روی تعهد به نتیجه بودن تعهدات تکیه می‌شود. بنابراین، وکیل مسئول جبران خسارات است، مگر اینکه فورس ماژور را به اثبات رساند، اما حالت دوم که عدم وجود فرض مسئولیت است، در مورد اجرای بد تعهدات می‌باشد؛ که بار اثبات تقصیر بر عهده موکل است و این حالت یادآور این است که تعهد وکیل، تعهد به وسیله است (Bertolaso (Sabine), 1999: 5). از نظر تعیین ماهیت تعهدات وکیل، به طور سنتی گرچه اصولاً تعهدات وکیل را تعهد به وسیله ارزیابی می‌کنند، اما اشکالی ندارد که وکیل دارای تعهد به نتیجه باشد؛ زیرا تعیین اینکه تعهد به وسیله است یا تعهد به نتیجه با تعیین نوع قرارداد

مدنی تقصیر اعم است از بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی و عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی تعدی یا تفریط ممکن است عمدی یا غیر عمدی باشد. لذا در فرضیه تقصیر فعل واردکننده زیان در صورتی موجب مسئولیت مدنی است که واردکننده آن مرتکب خطا شده باشد که ممکن است خطای مذکور ناشی از غفلت (بی احتیاطی) یا عمد باشد. به عبارت دیگر، مسئولیت در نظر طرفداران این تئوری جنبه شخصی دارد و ارزیابی رفتار شخص و تحلیل روانی او نقش اساسی را در قابل جبران بودن زیان از ناحیه فاعل دارد. اعمال این نظریه منتهی به این نتیجه می‌شود که برای اینکه زیان دیده بتواند ترمیم خسارت خود را از کسی بخواهد باید ثابت کند که تقصیر شخص اخیر، سبب ورود خسارت بوده است. بنابراین، در اثبات تقصیر، زیان‌دیده نقش مدعی را دارد که باید دلایل اثبات ادعای خود را بیاورد؛ زیرا بر خلاف مسئولیت قراردادی که کافی است متعهد له عدم انجام تعهد را اثبات نماید تا محق دریافت خسارت شود، در مسئولیت مدنی بدون قرارداد، اصل بر براءت است و اثبات تقصیر برای حکم به خسارت ضروری است و اثبات تقصیر نیز همیشه آسان نیست. نظریه تقصیر از لحاظ تاریخی از مبنای مرسوم و سنتی مسئولیت مدنی بوده و در حقوق فرانسه و اسلام، مبنای اصلی مسئولیت مدنی قرار گرفته است. در حقوق ایران نیز مبنای عمده مسئولیت مدنی تقصیر است؛ یعنی بدون وجود تقصیر اصولاً مسئولیت ایجاد نمی‌شود (یقوبی، ۱۴۰۰: ۱۳۳-۱۳۲).

همچنین مسئله بار اثبات تقصیر در مبحث مسئولیت مدنی وکیل در برابر موکل، بی ارتباط با تعیین ماهیت تعهدات وکیل نیست. در این زمینه در حقوق فرانسه می‌توان شاهد یک تحول در رویه قضایی بود. با فقدان متن قانونی در این زمینه دادگاه‌ها چنین تصمیم گرفته‌اند که با عدم انجام تعهد از سوی وکیل، اگر فورس ماژور به اثبات نرسد، فرض بر این است که وکیل مقصر می‌باشد. این امر نشان می‌دهد که تعهد وکیل واقعاً نوعی تعهد به نتیجه است. به نظر حقوقدانان فرانسه چنین راه حلی الهام‌گرفته از ماده ۱۹۹۱ قانون مدنی فرانسه است که با عدم انجام تعهد، وکیل را مسئول جبران خسارات دانسته است. با وجود این، محاکم برای وکیل، تعهد به وسیله هم در نظر گرفته‌اند که موکل در این موارد برای مطالبه جبران خسارت خود، باید تقصیر وکیل را به اثبات رساند. چنانچه دیوان عالی کشور فرانسه برای وکیلی که مزدگیر موکل بوده، تعهد به احتیاط و مواظبت در نظر گرفته است که نوعی تعهد به وسیله می‌باشد. چنین راه حلی از ماده ۱۹۹۲ قانون مدنی فرانسه به

1. totale des obligation s l'execution
2. Mauvaise execution des obligations
3. Larroumet

ممکن نیست، بلکه تعیین ماهیت تعهدات از نظر تعهد به نتیجه یا تعهد به وسیله بودن، بر حسب محتوی و مفاد تعهدات ممکن می‌باشد. به همین دلیل در عقد وکالت نیز تعهدات وکیل می‌تواند تعهد به نتیجه یا تعهد به وسیله باشد (Vaillier, 2014: 3). به این ترتیب، اگر مفاد تعهد، تعهد به نتیجه باشد، عدم حصول نتیجه، تقصیر بوده و موکل نیازی به اثبات تقصیر ندارد و اگر مفاد تعهد، تعهد به وسیله باشد، عدم سعی و کوشش متعارف تقصیر بوده و موکل باید تقصیر وکیل را ثابت نماید (سوادی عبدالباقی، ۲۰۱۰: ۸۵) که اصولاً چنین مسئولیتی تابع قواعد عمومی مسئولیت مدنی است و تقصیر وکیل با هر درجه و هر سنگینی یا سبکی که باشد، مسئولیت وکیل را به دنبال خواهد داشت (Ibid).

۲-۱-۲. ارزیابی تقصیر

بر اساس نظریه تقصیر و یا سیستم مسئولیت شخصی و محدود، مسئولیت مدنی وسعت چندانی ندارد و محدود است به موردی که عامل حادثه زیان‌بار مرتکب خطا شده و تنها در صورتی ملزم به جبران خسارت خواهد بود که مرتکب رفتاری نامتعارف شده باشد و آن رفتار هم علت ایجاد خسارت باشد. مسئولیت مدنی یکی از انواع مسئولیت‌ها است که در مقابل دیگر مسئولیت‌ها از جمله مسئولیت کیفری قرار می‌گیرد (شیعه علی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱). همچنین بر اساس قاعده «لیس علی الامین الاالیمین» امین ضامن نیست یا بر امین چیزی جز سوگند لازم نیست (کلینی، ۱۴۱۴ ه.ق: ۲۸۴). این طور می‌توان نتیجه گرفت که وکیل مسئولیتی بر عهده ندارد، مگر تقصیر وی ثابت شود. بر اساس ماده ۶۶۶ قانون مدنی: «هرگاه از تقصیر وکیل خسارتی به موکل متوجه شود که عرفاً وکیل مسبب آن محسوب می‌شود، مسئول خواهد بود». می‌دانیم که عقد وکالت از جمله عقود جایز است، به این معنا که هریک از طرفین بتواند هر وقتی بخواهد آن را فسخ کند. تا وقتی که عقد فسخ نشده است، دو طرف ملزم به اجرای مفاد آن هستند و کسی که حق فسخ دارد، نمی‌تواند نتایجی را که پیش از بر هم زدن عقد به وجود آمده است را نسبت به خود نپذیرد؛ به طوری که دیونی را که وکیل به نام و حساب موکل بر عهده گرفته است باید بپردازد و به عهده‌ی که وکیل به عهده گرفته است وفا و دستمزد او را پرداخت کند. وکیل موظف است در انجام وظایف وکالتی مانند اعمال مربوط به خود با کمال دلسوزی عمل کند و در صورتی که در اثر عدم اقدام یا تأخیر در آن یا تسامح در انجام امور وکالتی، خسارتی متوجه موکل شود،

مسئول خواهد بود. بنابراین، هرگاه وکیل تکالیف خود را به‌جا نیاورد یا از حدود اذن و متعارف تجاوز کند، ضامن خسارات وارده بر موکل خواهد بود. پس با این اوصاف بر اساس قانون مدنی ایران آثار و نتایج نظریه تقصیر به شرحی که گذشت عبارت‌اند از:

۱. زیان‌دیده باید تقصیر فاعل زیان را اثبات نماید.
 ۲. باید در نتیجه تقصیر، زیانی متوجه زیان‌دیده شده باشد.
 ۳. لازم است بین تقصیر و زیان وارده، رابطه سببیت برقرار باشد.
- فاعل زیان نیز بر اساس نظریه تقصیر در موارد زیر از مسئولیت مبرا خواهد بود:
۱. اگر در اثر اجرای حق قانونی خود سبب خسارت شده باشد.

۲. چنانچه خسارت در اثر فورس ماژور یا قوه جبریه علت خارجی ایجاد شده باشد.
۳. در فرضی که خود زیان‌دیده باعث ورود خسارت شده باشد (یقوبی، ۱۴۰۰: ۱۳۳).

در حقوق فرانسه بر حسب اینکه وکالت مجانی باشد یا عقدی معوض، معیار ارزیابی ممکن است تفاوت‌هایی داشته باشد. چنانچه بر مبنای ماده ۱۹۹۲ قانون مدنی فرانسه این تفاوت در معیار، به نفع وکلای دوستانه و مجانی بوده و طبق ماده فوق‌الذکر در موردی که وکالت مجانی است، در ارزیابی تقصیر وکیل، سخت‌گیری جایز نیست. این مقرر قانونی به نوعی در قراردادی که وکیل در ازای خدمت خود چیزی دریافت نمی‌کند، نوعی تعادل ایجاد می‌کند. در حقوق فرانسه این قاعده مختص عقد وکالت نیست و در عقود امانی مانند ودیعه که امین در ازای خدمات خود چیزی دریافت نمی‌دارد نیز همین قاعده قابل اعمال است، گر چه ممکن است عیناً همین فرمول اعمال نگردد. چنانچه اغماض و سهل‌گیری نسبت به امین به این صورت است که در ارزیابی تقصیر وی هم معیار «نوعی و عینی و انتزاعی» ملاک عمل است و هم معیار «شخصی»^۱ و به همین دلیل در ارزیابی تقصیر امین طبق ماده ۱۹۲۷ قانون مدنی فرانسه باید عادات و خصلت‌های شخصی امین را نیز مورد لحاظ قرار داد. در موضوع مورد بحث نیز در موردی که وکیل به صورت معوض و در ازای اجرت انجام امری بر عهده می‌گیرد، معیار ارزیابی تقصیر وکیل یک وکیل حرفه‌ای خود و متعارف می‌باشد. البته سخت‌گیری در مورد وکیلی که مزدبگیر

1. In abstracto

2. In concreto

شد که «در صورتی که مدارک و مستندات در موفقیت در دعوی یا شک و تردید وجود داشته باشد یا تردیدی در شکست نباشد در این صورت مسئول قلمداد نمی‌شود». به عبارت دیگر، در اینجا حتی اگر وکیل در جلسه رسیدگی حاضر و پیروز پرونده در مرحله بدوی می‌شد، این امکان وجود داشت که خوانده دعوی اقدام به اعاده دادرسی کند و پرونده با قضات عالی‌رتبه‌تری مورد رسیدگی قرار گیرد و در نهایت منجر به شکست وکیل شود؛ پس ما باید غایت کار را در نظر بگیریم نه اول کار را، هرچند رفتار وکیل از نظر اخلاقی و قانونی قابل پیگرد است و جای هیچ شک و شبهه‌ای نیست، اما درخصوص چگونگی اثبات تقصیر وکیل، این سؤال مطرح می‌شود آیا تقصیر نامبرده باید در مرجع انتظامی؛ یعنی دادگاه انتظامی وکلاء اثبات شود؟ در پاسخ باید گفت لزوماً نیازی به اثبات آن در مرجع مزبور نمی‌باشد، بلکه می‌تواند در دادگاه نیز ثابت شود و در صورت اثبات آن در مرجع انتظامی، دادگاه ملزم به تبعیت از آن نیست، ولی رابطه سببیت بین تقصیر و حادثه زیان‌بار باید در دادگاه ثابت شود. در این مورد دادگاه رسیدگی‌کننده باید از وکلای با تجربه و با سابقه جهت اثبات رابطه سببیت به عنوان کارشناس استفاده کند (عباسلو، ۱۳۹۷: ۲۱۲-۲۱۳).

۴-۱-۲. فوت شانس

ضمانت اجرای نقض تعهد وکیل گاه می‌تواند به صورت فوت شانس باشد. منتها زمان وکیل، جبران خسارات ناشی از فوت شانس را بر عهده خواهد داشت که شانس فوت شده باشد. در نتیجه «فوت شانس محقق نیست، مگر اینکه شانس فوت شده باشد». به عبارتی شانس باید به قدر کافی مسجل و مسلم باشد تا فوت آن ضرر به حساب آید وگرنه، امر مزبور، ضرر احتمالی بوده و ضرر احتمالی قابلیت جبران ندارد (غمامی، ۱۳۷۶: ۵۶). چنانچه این شانس باید به نفع خواهان بوده و بسیار جدی باشد (Viney, 1988: 165).

این نهاد حقوقی یعنی فوت شانس که یکی از مفاهیم مفید است اجازه می‌دهد تا بخشی از خسارات را جبران نماید. در این نهاد، ارزیابی خسارت، نوعی پیش‌بینی ناظر به گذشته است که ارزیابی آن نیز بر مبنای دلایل صوری شکل می‌گیرد. به همین جهت کاربرد مفهومی به این ظرافت، چندان آسان نیست. با وجود این، نمی‌توان منکر ارزش چنین نهادی شد. در موضوع مورد بحث؛ یعنی مسئولیت وکیل نیز می‌توان به این نهاد استناد کرد. لازم به یادآوری است که فوت شانس در این موارد زمانی محقق خواهد شد که خواهان امکان جلوگیری از فوت

موکل است به این معنا نیست که همیشه مسئول است؛ زیرا باید دیگر شرایط مسئولیت نیز محقق باشد. با وجود این، در حقوق فرانسه بر چنین وکیلی تا حدودی سخت‌گیری می‌شود. نکته‌ای که نباید فراموش کرد این است که به نظر می‌رسد این سهل‌گیری که در مورد وکیل مجانی و دوستانه وجود دارد، سهل‌گیری درخصوص ارزیابی تقصیر است نه جبران خسارات. به عبارتی این سهل‌گیری در ارزیابی تقصیر به معنی عدم جبران خسارات با کاهش میزان غرامات نبوده و چنین سهل‌گیری نباید به نوعی انجام گیرد که به حال زیان‌دیده مضر باشد (Bertolaso (Sabine), 1999: 1).

۳-۱-۲. رابطه سببیت

مهم‌ترین رکن مسئولیت وکیل، رابطه سببیت بین تقصیر نامبرده و ورود خسارت به موکل می‌باشد، به گونه‌ای که در بعضی موارد به‌رغم تقصیر، به علت عدم رابطه مزبور، فاقد مسئولیت است. به عنوان مثال، اگر وکیل در جلسات رسیدگی، به موقع حضور نیابد یا به موقع اقدام به تقدیم مدارک لازم به محاکم ننماید یا به موقع نسبت به حکمی که به ضرر موکل صادر شده اعتراض ننماید، در صورتی مسئول جبران خسارت ناشی از محکومیت موکل است که اولاً؛ حکم قطعی بوده و علیه موکل اجرا شده باشد. ثانیاً؛ موکل اثبات نماید با توجه به پرونده و مدارک مضبوط در آن، اگر وکیل به تکلیف خود عمل می‌کرد، حکم به نفع موکل صادر می‌شد (ابراهیمی، ۱۳۹۷: ۴۸). به عنوان مثال، اگر وکیل در دادگاه بدوی در جلسه رسیدگی حضور نیابد و مستندات دعوی را که موکل به او تحویل داده به دادگاه ارائه نکند، در حالی که اگر مستندات مزبور را ارائه می‌داد، حکم به نفع موکل صادر می‌شد و به این دلیل موکل محکوم شود و علاوه بر این وکیل به موقع تقاضای تجدیدنظرخواهی ننماید و در نهایت منجر به محکومیت موکل و اقدامات اجرایی متعاقب آن و اجرای دادنامه به ضرر نامبرده گردد؛ در این صورت در مسئولیت وکیل تردیدی نیست. در صورتی که وکیل از حضور در جلسه دادرسی و یا تقاضای تجدیدنظرخواهی در موعد مقرر خودداری نماید، ولی با توجه به مدارک و مستندات در موفقیت در دعوی یا شک و تردید وجود داشته باشد یا تردیدی در شکست نباشد؛ در این صورت هر چند نامبرده مرتکب تخلف انتظامی شده، ولی مسئول نخواهد بود. در تکمیل این استدلال می‌توان گفت که در این خصوص حتی اگر موکل علیه وکیل شکایت نماید، وکیل می‌تواند تقاضای رسیدگی یا کارشناسی دهد؛ چرا که در سطرهای پیشین گفته

باید قرارداد کتبی که طبیعت، دامنه و مدت مأموریت پیشین را و همچنین شرایط و چگونگی آن و نحوه پرداخت حق الزحمه را مشخص نماید و به امضای موکل برساند و در انتها نیز آمده است که هر وکالتی که به وکیل دادگستری داده می‌شود، باید کتبی و همراه بانام و خصوصیات موکل و ذکر موضوع وکالت باشد (رئسی و همکاران، ۱۳۹۳: ۴).

بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله به بررسی تعهدات وکیل نسبت به موکل و مشخص کردن این موضوع که با انعقاد قرارداد وکالت چه مسئولیت‌هایی بر دوش وکیل قرار می‌گیرد، پرداختیم. نتیجه آن شد که وکیل در برابر موکل دارای مسئولیت و تعهد قراردادی و قانونی می‌باشد. مسئولیت قراردادی وکیل و اخلاق حرفه‌ای ایجاب می‌کند که وکلا در قبول وکالت، هرچند که بر اساس اصول حقوقی، مدارک و دلایل ابرازی موکل را جهت طرح دعوا یا دفاع از موکل کافی بدانند، نباید به موکل وعده قطعی و صد در صد برای کسب نتیجه و موفقیت در دعوی را بدهند. بنابراین تعهد وکیل، تعهد به وسیله است (یعنی اینکه وکیل نمی‌تواند تعهد بدهد که صد درصد در پرونده موفق خواهد بود) نه تعهد به نتیجه (یعنی تعهد به گرفتن صد درصد رأی به نفع موکل خودت دهد). گاهی تعهدات وکیل ناشی از الزاماتی است که به موجب قانون برای شخص ایجاد می‌شود که از آن تحت عنوان «تعهدات قانونی» یاد می‌شود. از وظایف قانونی وکیل می‌توان به صداقت، درستکاری، رعایت حدود اختیارات در وکالت، حفظ اسرار موکل، پیگیری و مراقبت‌های لازم در دعوی و تشویق به سازش و ... اشاره کرد. همچنین در کشور فرانسه لزوم وکالت‌نامه سریع و رسمی مورد تأکید قرار نگرفته است، ولی در نظام حقوقی ایران منطبق با ماده ۲۱۹ قانون مدنی رابطه حقوقی بین وکیل دادگستری و موکل با انعقاد عقد وکالت و تنظیم وکالت‌نامه رسمی آغاز می‌شود.

شانس را نداشته باشد. در نتیجه در مثال مزبور زمانی وکیل شانس موکل را از بین برده است که مدت تجدیدنظرخواهی منقضی شده باشد و در عین حال خود موکل امکان تجدیدنظرخواهی نداشته باشد (یزدانیان، ۱۳۹۵: ۳۰۴).

۳-۲. آثار تعهدات قراردادی

بر اساس ماده ۲۱۹ قانون مدنی «عقودی که مطابق قانون واقع گردند بین متعاملین و قائم مقام آنها لازم‌الاتباع می‌باشند» و همچنین ماده ۲۲۰ قانون مدنی اشعار می‌دارد: «تعهداتی که در قرارداد تصریح شده متعاملین را به کلیه نتایجی که به موجب عرف و عادت و قانون از عقد حاصل می‌گردد، ملزم می‌نماید». بنابراین، در حقوق ایران رابطه حقوقی بین وکیل دادگستری و موکل با انعقاد عقد وکالت و تنظیم وکالت‌نامه رسمی آغاز می‌شود (نوری، ۱۳۸۰: ۷۹).

بر اساس ماده ۱۱۹ قانون مدنی فرانسه «عقود نه تنها متعاقدين را به آنچه در قرارداد تصریح شده است ملزم می‌نماید، بلکه آنها را به تمامی نتایجی نیز که انصاف، عرف یا قانون برای آن عقود قائل است، ملزم می‌کند.

این ماده که تقریباً تکرار ماده ۱۱۳۵ قانون مدنی سابق فرانسه است، معادل «اصل التزام به لوازم عرفی و قانونی قرارداد» در حقوق ایران است، با این تفاوت که در کنار عرف و قانون از انصاف نیز نام برده شده است (پاکباز، ۱۴۰۱: ۲۴۴). همچنین در فرانسه به لحاظ احترام و اعتبار شغل وکالت وکیل دادگستری نیازی به ارائه وکالت‌نامه نزد مراجع قضایی ندارد.

به عبارت دیگر، در حقوق ایران رابطه حقوقی بین وکیل دادگستری و موکل با انعقاد عقد وکالت و تنظیم وکالت‌نامه رسمی آغاز می‌شود، اما در کشور فرانسه لزوم وکالت‌نامه سریع و رسمی مورد تأکید قرار نگرفته است. همچنین در بند ۳ ماده ۶ آیین‌نامه داخلی کانون‌های وکلای فرانسه آمده که وکیل

References

- Abbasloo, Bakhtiar. (2018). *Civil liability with a comparative perspective*. third edition. Tehran: Mizan Publications (In Persian).
- Ahangaran, Mohammad Rasoul and Rezanejad, Loqman. (2020). "A Re-Study of the Essential Elements of

- Ihsan from the Perspective of Imami Jurisprudence and the Iranian Legal System". *Journal of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law*, Year 54, Issue 1 (In Persian).
- Ameli, Muhammad ibn Makki. (1410 AH). *Al-Lama' al-Damashqiyya fi fiqh al-Imamiyah*. first edition. Beirut: Dar

- al-Turat al-Islamiyah (In Persian).
- Amid, Hassan. (2018). *Farhang al-Farniyya Farsi*. Tehran: Ashja Publications (In Persian).
- Asdaleh Raisi, Hossein Heydarzadeh, Hassan Yousefi, Yasser Khodabakhsh. (2014). "The Duties and Obligations of the Lawyer to the Client in the Iranian Legal System; With a View to the French Legal System", *First National Conference on Lawyering, Ethics, Jurisprudence and Law* (In Persian).
- Askari, Farideh and Namdar Pourbangar, Mustafa. (2019). "Responsible behavior of lawyers in the Iranian legal system". *Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies*, No. 12. (In Persian).
- Bala Adnan Badr. (2008). *Al-Masoolyeh al-Madinah for the Lawyer*. First Edition. Beirut: Mansurat al-Halabi al-Jukhiyyah (In Persian).
- Bertolaso (Sabine) "Mandataire". (1999). *Juris Classeur Responsabilite civile et Assurances*. Fasc. 415
- Colin (Ambroise) Capitant (H). (2014). N.935.et.V.Vaillier (Pascale)"Avocat". *JurisClasseur Responsabilite civile et Assurances*. Fasc.330.
- Deleshshad, Ebrahim. (2017). *Attorney Contract from the Perspective of Civil Law and the Regulations of Attorneyship*. First Edition. Tehran: Mizan Publications (In Persian).
- Ebrahimzadeh, Sirous. (2019). *The Lawyer of the Captured*. Third Edition. Tehran: Heidiri Publication (In Persian).
- Emami, Seyyed Hassan. (2019). *Civil Law*. Volume Two. Tehran: Islamia Publications (In Persian).
- Ghamami, Majid. (2007). *Civil liability of the state towards the actions of its employees*. first edition, Tehran: Dadgostar Publications (In Persian).
- Hosseini Ahmadvandi, Seyed Payam. (1401). "Application of the Rule of Ehsan in Iranian Law". *Bi-Quarterly Journal of Judicial Law Research*, Volume: 3, Issue 6 (In Persian).
- Jafari Langroodi, Mohammad Jafar. (2016). *Mahshi Civil Code Collection*. Tehran: Ganj Danesh
- Jalil Qanavati and others. (2009). *Contract Law in Imamiyya Jurisprudence*. Volume 1, Tehran: Samt Publications (In Persian).
- Kaliini, Mohammad. (2014 AH). *Usul al-Kafi*. volume 5. Qom: Dar al-Thaqlain Publications (In Persian).
- Katouzian, Nasser. (2016). *General rules of contracts*. volume three. Tehran: Samt Publications (In Persian).
- Makarem Shirazi, Nasser. (1425. AH). *Anwar al-Fiqah - Kitab al-Nikah*. 1st Edition, Qom: Madrasah al-Imam Ali ibn Abi Talib (AS) Publications (In Persian).
- Malaurie, Philippe. (1998). *Aynes. Laurent, Droit Civil. Contrats speciaux*. 12^e.éd. Cujas
- Mohammadi, Abolhassan. (2004). *Fundamentals of Islamic Law Inference*. 17th Edition, Tehran: University of Tehran (In Persian).
- Noori, Mohammad Ali. (1380). *Translation of French Civil Code*. Tehran: Ganj Danesh Library (In Persian).
- Pakbaz, Siamak. (2021). *Explanation of French Civil Code with 2016 Amendments*. First Edition. Tehran: Mizan Publications (In Persian).
- Raisi, Asadallah; Heydarzadeh, Hossein; Yousefi, Hassan; Khodabakhsh, Yaser. (2014). *Duties and Obligations of the Attorney to the Client in the Iranian Legal System; Looking at the French legal system*. the first national conference on advocacy, ethics, jurisprudence and law (In Persian).
- Sadrzad, Mohsen. (1998). "The Role of

- the Lawyer in Contemporary French Law with an Attitude to Iranian Law". *Law Journal*, No. 39 (In Persian).
- Sawadi Abdul Baqi, Mahmoud. (2010). *The Responsibility of the Lawyer in Medina for His Professional Mistakes*. 2nd edition, Beirut: Dar al-Thaqafeh for Publication and Distribution (In Persian).
- Shi'a Ali, Ali; Motamedi, Mohsen; Ghorbani Hessari, Mina. (2019). *The Civil Responsibility of the Lawyer Against the Client*. 3rd International Conference on Religious Research, Islamic Sciences, Jurisprudence and Law in Iran and the Islamic World, Karaj (In Persian).
- Terré.François. Simler, Philippe. (2005). Lequette.Yves, Droit Civil. Les Obligations.9 é.éd.Dalloz.
- Tusi, Muhammad ibn Ali ibn Hamza. (1408 AH). *The Means of Attaining Excellence*. 1st edition. Qom: Ayatollah Mar'ashi Najafi Library Publications (In Persian).
- Vaillier (Pascale) "Avocat". (2014). *JurisClasseur Responsabilite civile et Assurances*.Fasc.330.
- Viney. (1988). Genevieve, *Traité de Droit Civil. Les obligations. La responsabilité*. 1 é.éd.librairie générale de droit et de.
- Yaqubi, Fatemeh. (1400). *Civil Liability of the Attorney Against the Client*. New Edition of Legal Studies, Issue 16 (In Persian).
- Yazdanian, Alireza. (1395). *General Rules of Civil Liability*. Volume 4, Tehran: Mizan Publications (In Persian).
- Yazdanian, Alireza. (1397). "The Scope of Obligations and Civil Liability of the Client and the Attorney Resulting from Personal Acts and Non-Acts Against Each Other and Third Parties in French Jurisprudence and Law". *Quarterly Journal of Comparative Research on Islamic and Western Law*, Year 5, Issue 2 (In Persian).
- Zholain, Nader. (2017). "A Study of the Code of Professional Duties of Attorneys in the European Bar Association". *Journal of the Bar Association*, Issue 167_166 (In Persian).